



Comparative Study of Social Structures in the Works of Zaydri Nesavi and Najib Mahfouz Based on Goldman's Structuralist Theories

Shahreh Behruezh¹, Pranoosh Pajhohesh^{2*}, Mandana Hashemi Esfahani²

Abstract

Developmental structuralism in the sociology of literature is one of the new branches in contemporary literary research that sociologist and literary philosophers such as Lucien Goldman and his intellectual leader, George Lukács, have relied on this axis, and according to it, the dialectic of the attitude governing the author and the historical, social space Along with political economy, generalist criteria are proposed in terms of developmental structuralism and literary sociology.

Naftah al-Masdoor by Zaydari Nesavi is one of the important literary works and a part of historical and social documents in Persian literature, which has survived since the 7th century, coinciding with the end of the Khwarezmshah era and the beginning of the Mongol era. The works of Najib Mahfouz, the famous Egyptian writer and winner of the Nobel Prize for Literature in 1988, are also about the type of social life of contemporary people and

It is the rule of foreigners over his country and economic and cultural poverty.

In the current research, relying on the descriptive-analytical method and research based on the comparative school, the comparative analysis of the works of Zaydari Nesavi, especially Nafetha al-Masdur and Najib Mahfouz, has been discussed with Goldman's structuralist view. The results of the research show that Zaydri Nesvi and Najib Mahfouz were not indifferent to the social, political and economic issues of the society of their time in their works and they tried to reach the realities of the society by showing the social problems and also by using the power of their pen. to portray an ideal society.

Keywords: Nafteh al-Masdoor, Najib Mahfouz, Literary Sociology, Developmental Structuralism, Lucien Goldman

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran

How to Cite: Behruzeh S, Pajhohesh P, Hashemi Esfahani M., Comparative Study of Social Structures in the Works of Zaydri Nesavi and Najib Mahfouz Based on Goldman's Structuralist Theories, *Journal of Comparative Literature Studies*, 2024;17(68):567-595.



بررسی تطبیقی ساختارهای اجتماعی در آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ

براساس نظریات ساختارگرایانه گلدمن

شهره بهروزه^۱، پرنوش پژوهش^{۲*}، ماندانا هاشمی اصفهانی^۲

چکیده

ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از شاخه‌های نوین در پژوهش‌های ادبی معاصر است که فیلسوفان جامعه‌شناس و ادیبی چون لوسین گلدمن و رهبر فکری او یعنی جورج لوکاج، بدان محور متکی بوده‌اند و بر طبق آن دیالکتیک نگرش حاکم بر مؤلف و فضای تاریخی، اجتماعی همراه با اقتصاد سیاسی، معیارهای کلی‌گرایانه‌ای را به لحاظ ساختارگرایی تکوینی و جامعه‌شناسی ادبی مطرح می‌شود.

نفته‌المصدر اثر زیدری نسوی یکی از آثار مهم ادبی و جذبی از اسناد تاریخی، اجتماعی در ادبیات فارسی است که از قرن هفتم مصادف با اواخر دوران خوارزمشاهیان و اوایل دوران مغول برجای مانده است. آثار نجیب محفوظ نویسنده معروف مصری و برنده جایزه نوبل ادبی در سال ۱۹۸۸ نیز درباره نوع زندگی اجتماعی مردم زمانه و سلطه بیگانگان بر کشورش و فقر اقتصادی و فرهنگی است.

در پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و پژوهش بر اساس مکتب تطبیقی به بررسی و تحلیل تطبیقی آثار زیدری نسوی بالأخص نفته‌المصدر و نجیب محفوظ با نگاه ساختارگرایانه

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

ایمیل: Pajouheshp@riau.ac.ir

نویسنده مسئول: پرنوش پژوهش

گلدمن پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زیدری نسوی و نجیب محفوظ در آثارشان نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه عصر خود بی‌تفاوت نبوده و سعی داشته‌اند تا با نشان دادن مشکلات اجتماعی و هم‌چنین با استفاده از قدرت قلم خود واقعیت‌های جامعه را در جهت رسیدن به یک جامعه آرمانی به تصویر بکشند.

واژگان کلیدی: نفثه‌المصدر، نجیب محفوظ، جامعه‌شناسی ادبی، ساختارگرایی تکوینی، لوسین گلدمن.

مقدمه و بیان مسئله

در راستای علوم تطبیقی، ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از شاخه‌های نوین در پژوهش‌های ادبی معاصر است که لوسین گلدمن به عنوان فیلسوف و ادیب و جامعه‌شناس مطرح غربی، از استادان این شیوه پژوهشی به شمار می‌رود. وی در این مسیر، دیالکتیک نگرش حاکم بر مؤلف و فضای تاریخی، اجتماعی همراه با اقتصاد سیاسی، معیارهای کلی گرایانه‌ای را به لحاظ ساختارگرایی تکوینی و جامعه‌شناسی ادبی مطرح نموده است. «اعتقاد بر آن است که مهمترین مکتب جهانی که اجتماعی بودن ادبیات را مورد تأکید قرار می‌دهد، مکتبی است که لوسین گلدمن پیشگامی آن را بر عهده دارد و به شکلی اصیل و پرتنرم، به گونه‌ای ویژگی اجتماعی بودن ادبیات را ارائه می‌دهد که نتایج مهمی-هم در زمینه ادبیات و هم در زمینه جامعه- بر آن مترتب می‌گردد.» (فضل، ۱۹۸۶: ۲۲۶).

گلدمن، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی همچون استادش جورج لوکاچ معتقد است که ساختارهای اجتماعی برساختار ادبی اثرگذار بوده و همواره ارتباط تنگاتنگی میان سبک هنرمند و جامعه وی برقرار است و ساختارگرایی تکوینی او بر این فرض بنا شده که هر رفتار انسانی تلاشی برای پاسخگویی معنادار به وضعیتی خاص است و از این رو گرایش به آن دارد تا میان فاعل عمل و موضوعی که عمل بدان مربوط می‌شود (جهان پیرامون آدمی) تعادل برقرار کند (گلدمن، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

از کارکردهای مهم ادبیات اعم از شعرو نثر، انعکاس تصویری از لایه‌های پنهان ساختارهای اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی و تاریخی است به نحوی که هرمتن ادبی جهت دریافت و

آشکارسازی مناسبات این ساختارهای عصر خویش نقش به‌سزایی دارد. چنین تلقی و نگرشی، نوعی نگاه جامعه‌شناختی بر آثار ادبی است.

در این راستا برخی جامعه‌شناسان معاصر بر این باورند که ادبیات یکی از منابع شایان توجه در تحلیل اجتماعی هر عصر است. لذا آثار ادبی وجهی علمی از منظر جامعه‌شناختی را در خود نهفته دارند و از این منظر خاستگاه اجتماعی مؤلفان ادبی نیز از محوریت عمده برخوردار است که این معنا قابل تعمیم بر تمامی آثار ادبی در همه ادوار و اقوام و ملل است. به بیان دیگر در هر اثر ادبی می‌توان رگه‌هایی از صبغه اجتماعی و اقتصاد سیاسی را که اثر از آن برخاسته جستجو نمود. بنابراین آن دسته از آثار ادبی که آشکارا به انتقاد و شکوه و شکایت از بحران اجتماعی ناشی از اوضاع سیاسی اجتماعی پرداخته‌اند، به لحاظ آشکارسازی ساختار اجتماعی و تاریخ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر خود قابل تعمق هستند.

در این پژوهش تلاش بر آن است که شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در مطابقت با دیالکتیک جامعه‌شناسی ادبی گلدمن در آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ مورد مطالعه قرار گیرد. نکته عمده در مسیر پژوهش پیش رو، قابلیت تطابق وجه «جامعه‌شناختی ادبیات» در «ساخت‌گرایی تکوینی» با نگاه کل‌گرایانه لوسین گلدمن بر آثار زیدری نسوی و آثار نجیب محفوظ است. در این تطبیق بر اساس روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن، توجه به تاریخ پدیده‌ها و تاریخ ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، امری ضروریست. چرا که به عقیده این جامعه‌شناس و فیلسوف ادیب، بین ساختارهای ادبی و انواع ساختارهای اجتماعی پیوندی محکم برقرار است. پس باید هر اثر ادبی را در کلیت آن مورد تحلیل و بررسی قرار داد و ربط آن را با ساختارهای اجتماع عصر مؤلف به لحاظ جامعه‌شناختی و اقتصاد مورد مطالعه قرار داد.

آنچه در انطباق با نگرش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن آثار نسوی و محفوظ مورد پژوهش واقع خواهد شد، وجه کلیت تاریخی و ربط آن با ساختارهای اجتماعی مذکور و «جامعه‌شناختی غالب ادبی» است که بر اساس نشانه‌هایی از انعکاس تصویر بحران ارزش‌های راستین اجتماعی، ناشی از درگیری‌های سیاسی شکل گرفته و به طور ضمنی تباهی‌های اقتصادی مندرج در تاریخ آن عصر را هم به نمایش گذاشته است. بر این اساس به تشریح اجزای کلی ساختارهای جامعه‌شناختی و کارکرد فراگیر آن اجزا، در استواری یا تزلزل امور مختلف پرداخته خواهد شد. در

این راستا اموری چون فساد در فضای نظامیان آن عصر، تزویر و ریاکاری‌ها و بی‌عدالتی و ستم حاکمان، فقر و ناتوانی رعیت، رواج بی‌اخلاقی، خرافه پرستی، ناامیدی و افسردگی مردم و دیگر مسائل اجتماعی در آثار هر دو نویسنده استخراج و تحلیل خواهد شد.

هدف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق بررسی آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ با رویکرد جامعه‌شناختی گلدمن است، با توجه به این که موضوع پژوهش حاضر، تطبیقی، بینامتنی و میان‌رشته‌ای است، گمان می‌رود نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده جامعه‌شناسان و محققان ادبیات قرار گیرد، به همین دلیل بررسی جامعه‌شناختی این اثر، می‌تواند منجر به درک کلی بهتری از بافت و ساخت فرهنگی و تاریخی ما شده و نتایج تازه‌ای پیش روی مصلحان فرهنگی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

نفته‌المصدر از مهم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی است که گرچه با زبانی دشوار و سبک مصنوع نوشته شده است اما می‌تواند بهترین کتاب اجتماعی ایران باشد که در آن، برهه حساس تاریخی ایران در بحبوحه حمله مغول روایت می‌شود، از این رو جهت شناخت تاریخ اجتماعی و مبانی فرهنگی و ادبی ایران در قرن هفتم و امتداد بررسی فرهنگ و ادب مردم مفید است. آثار نجیب محفوظ نیز از مهمترین آثار جامعه و فرهنگ عرب معاصر محسوب می‌شود و از آن‌جا که مطالعه آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ و بررسی زوایای پنهان آنها براساس رویکرد جامعه‌شناسی هنوز به طور کامل و جامع در پژوهشی مستقل انجام نشده است، با توجه به اهمیت آن آثار و جایگاه آن در شناخت جامعه عصر نویسنده، ضروری است که این آثار ارزشمند با تأملی دیگر بر مبنای جامعه‌شناسی ادبیات از منظر معاصرین بررسی و تحلیل گردد.

پرسش پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش بدین قرار است:

مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بالأخص «جامعه‌شناسی ادبی» در قیاس با نگاه ساختارگرایانه کلی لوسین گلدمن در نفته‌المصدر و آثار نجیب محفوظ کدام‌ها هستند؟

فرضیه پژوهش

واقعیت کلی تاریخی و اجتماعی دوران نسوی و نجیب محفوظ -منطبق با نگاه گلدمن- از رهگذر احساس فردی و هنری این دو نویسنده در آثارشان بیان شده است. نسوی و محفوظ در آثارشان به نحو تشریحی تصویرگر جامعه و ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران خوارزمشاهیان و خلفای بغداد و حاکمیت مغول و مصر در دوره معاصر بوده‌اند.

پیشینه پژوهش

کتاب‌هایی که در زمینه نفثه‌المصدر به چاپ رسیده‌اند، عمدتاً به شرح دشواری‌های این کتاب پرداخته‌اند، مانند کتب موسویان (۱۳۹۳)، جنیدی و دیگران (۱۳۹۷)، قاسمی (۱۳۸۴)، شاهمرادیان و قنبری (۱۳۹۲)، ثروت (۱۳۹۱) و البته تاکنون کتابی در زمینه تحلیل جامعه‌شناختی این اثر منتشر نشده است.

رساله‌ها و پایان‌نامه‌های انتشاریافته در زمینه نفثه‌المصدر نیز غالباً در زمینه مسائل زیبایی‌شناختی و زمینه‌های بیان، بدیع و بلاغی این اثر به نگارش درآمده‌اند. مانند: «بررسی سبک و بلاغت و صور خیال و بدیع در کتاب نفثه‌المصدر شهاب‌الدین زیدری نسوی» از (نصیری کما، ۱۳۸۰) «سبک و اختصاصات نثر ایلخانی در تاریخ جهانگشای جوینی و نفثه‌المصدر» از (شیبانی اقدام، ۱۳۸۵)؛ «بررسی کاربرد عاطفه در نفثه‌المصدر و مقایسه با تاریخ جهانگشای جوینی» از (یداللهی فارسانی، ۱۳۹۷) «بیان در نفثه‌المصدر» از (صادقی، ۱۳۹۴)، «زیبایی‌شناسی در نفثه‌المصدر» از (حیدری، ۱۳۸۷) و «صور خیال در نفثه‌المصدر» اثر (کاظمی‌پور، ۱۳۸۱) و...

اما رساله و یا پایان‌نامه‌ای که به بررسی جامعه‌شناختی این اثر آن هم با محوریت اندیشه‌های جامعه‌شناختی لوسین گلدمن پرداخته باشد، یافت نشد. تنها مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی نفثه‌المصدر بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین» از محمود رنجبر و همکاران، به چاپ رسیده که با نگاه ساختارگرایانه تئودوروف به عناصر این اثر ادبی، به تحلیل اندیشه‌های نسوی پرداخته است.

از آنجایی که نجیب محفوظ چهره‌ای شناخته شده است، در مورد آثار وی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از جمله: تحلیل عناصر داستان و مکتب ادبی رمان سه‌گانه نجیب محفوظ

توسط مظفراکبری مفاخر در سال ۱۳۸۵ و بررسی مضامین اجتماعی در داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ و جمال‌زاده توسط نعمت‌الله عرب‌پور در سال ۱۳۷۹ و تحلیل جامعه‌شناختی داستان‌های جلال‌آل‌احمد و نجیب محفوظ توسط امید ایزانلو، تحلیل عناصر داستان بین‌القصرین توسط فاطمه پیمان، بررسی واقع‌گرایی در ادب واقعی انتقادی نجیب محفوظ توسط صلاح‌الدین عبدی در سال ۱۳۸۰، و...

همچنانکه مشاهده می‌شود آثار نجیب محفوظ نیز اگر چه در پژوهش‌هایی از منظر جامعه‌شناسی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما تاکنون پژوهشی که به بررسی ساختارهای اجتماعی به صورت تطبیقی در آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ پرداخته باشد، منتشر نشده است.

بحث و بررسی

در تشریح موقعیت تاریخی و فرهنگی و اجتماعی هر اثر ادبی به روش ساخت‌گرایانه و تکوینی لوسین گلدمن نگاهی کل‌گرایانه را در تحلیل ساختارهای ذهنی و آفرینش فرهنگی می‌یابیم. گلدمن در تشریح ماهیت یک اثر به اجزا و ساختارهای اجتماعی و تاریخی که آن اثر را در بر گرفته نظر دارد و با تأکید بر خصلت پویایی و تغییر پیوسته هر جامعه (دگرگونی‌های اجتماعی) و عرصه تاریخی، به هر اثر ادبی می‌نگرد.

ساخت‌گرایی گلدمن، نویسنده را دست پرورده تولیدات فرهنگی جامعه می‌داند و فردیت او را با جبرگرایی اجتماعی از میان می‌برد و بیان میکند که این تاریخ و جامعه است که اندیشه‌های افراد را صورت‌بندی می‌کند و فرد بی‌آنکه بداند از آن‌ها پیروی میکند (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۶) به عبارتی دیگر گلدمن در مقابل این سؤال که آفریننده واقعی اثر هنری چه کسی است، مسأله طبقات اجتماعی و ساختارهای اجتماعی را مطرح میکند و نویسنده را نماینده همان طبقه اجتماعی میدانند که از آن برخاسته است یا به هر دلیلی به آن طبقه گرایش دارد (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۶: ۵۶).

دیالکتیک دریافت از نظر گلدمن، روش‌شناختی محوری، با توجه به اجزا و ساختارهایی است که بر هر اثر محاطند. از همین رو وی شاخه‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» را مطرح نموده

که از شاخه‌های جامعه‌شناختی در حوزه دانش اجتماعی است. این شاخه از ادبیات به روش تشریح و نه تفسیر و نقد، به بررسی آثار ادبی می‌پردازد که روشی علمی است و مستند به جوهر اجتماعی آثار ادبی، شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی و تاریخی محیط دربرگیرنده اثر و مؤلف آن است. به علاوه این روش گلدمن گویای جهان بینی و موضع فکری و فرهنگی حاکم بر دوره پیدایی اثر است. «طبق نگاه گلدمن استنتاج مفهوم دریافت اثر در سطوح مختلف صورت می‌گیرد که شامل رفتارهای خاص و رویدادهای واقعی بر اساس حقیقت و آگاهی به علاوه دال و مدلول‌هایی است که منتج به دریافت اندیشه دیالکتیکی اثر در حیطه معناشناختی می‌گردد.» (گلدمن، ۱۳۹۸: ۲۴۴).

در نگرش لوسین گلدمن به عنوان فیلسوف جامعه‌شناس کل‌گرا و ادیب معاصر، نفوذ ساختارهای متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر هر اثر ادبی دارای اهمیت به‌سزایی است.

ساختار جامعه‌شناختی طبقات سیاسی

هر اثر هنری خصلتی دوگانه دارد: از یک سو پدیده‌ای اجتماعی است و از سوی دیگر همین امر که آن را به پدیده اجتماعی مبدل می‌سازد، چیزی متفاوت با جامعه است و چیزی خودمختار و به روی جامعه بسته است. (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۷). نویسنده اگرچه اثر خود را با فنون ادبی می‌آراید اما موضوع و محتوا و شالوده بحث خود را از اجتماع و واقعیت‌های جامعه بر می‌دارد و به عبارتی هنر، انعکاسی از واقعیت است چرا که آثار ادبی در هر شکلی که باشند کم و بیش واقعیت‌هایی از اجتماع زمان خود را بیان می‌کنند (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۵۸).

اگر بخواهیم لختی فراتر از سیرت جلال‌الدین به تحلیل حقیقت شکست سریع خوارزمشاهیان و سهولت غلبه مغول پردازیم باید به یک عنصر و اصل و اساسی که مایه شکست حکام ایرانی از مغول را فراهم نمود توجه داشته باشیم و آن حمایت مغول از بازرگانان ستمدیده از حاکمیت ایرانیان بود. جریانی که پیوستن تجار مسلمان به دربار مغولان و راهنمایی و راهگشایی آنان برای ورود مغول به مقر حکام و امرای ایرانی را به دنبال داشت.

در این سیر تحلیلی نگرش ساختارگرایانه بر مسائل جامعه‌شناختی در نفته‌المصدر و نیز سیره جلال‌الدین منکبرنی، یکی از زوایای مورد توجه نسوی را نشان دادن تزلزل و آشفتگی سیاسی در مدیریت امور جامعه می‌یابیم. این ضعف سیاسی مقارن با حمله مغول به وضوح خود

نمایی می‌کند و نسوی در تبیین آن عواملی چون بر مسند نشستن سفلگان و بی‌مایگان را زمینه این تزلزل در امور سیاسی کشور بر می‌شمارد.

نسوی به خوبی نشان می‌دهد، آن‌گاه که حکومتی به شیوه عقلانی اداره نشود و کار به کاردان واگذار نگردد، آسیب فساد مدیریتی در جامعه در قالب سوء مدیریت‌های فردی و خانوادگی حکام ظاهر خواهد شد. لذا بر مسند نشاندن بی‌کفایتان و درباریان نالایق به دلیل خویشاوندی، یکی دیگر از نشانه‌های فساد در دستگاه حکومتی آن عصر بود که به سرانجام تلخ تسلط مغولان انجامید.

وزرا و عمال دولتی که به جای جانفشانی در راه حفظ مملکت، با دیدن خرابی اوضاع کشور به فکر منافع خود و حتی بدتر کردن اوضاع و بیرون کشیدن گلیم خود از آب بوده‌اند. نسوی نشان می‌دهد که چگونه شرف‌الملک با دیدن آشفتگی اوضاع در زمان حمله مغول، برخی صاحب دیوانانی که به او پیوسته بودند را در بند می‌کشد و مال ایشان را می‌طلبد (نسوی، ۱۳۹۴، ۲۲-۲۳).

در نفثه‌المصدور موارد متعدد بسیاری از نقدهای سیاسی را می‌یابیم: انتقادهای تندی متوجه وزیر سلطان جلال‌الدین یعنی «شمس‌الدین» یا همان «فخرالدین شرف‌الملک علی ابن ابی‌القاسم الجندی» است، به نحوی که او را مصداق خبث و نخوت و تکبر و فساد اخلاقی بزرگان و رجال درباری معرفی می‌کند: «عداوت و بوالعجبی وزیر رحمه‌الله که با چندین سوابق و لواحق جان سپاری که در هوی و ولای او نموده بودم و شمه‌ی آن بیش از آن است که به طوامیر شرح پذیر شود؛ به خون من تشنه گشته بود و آن قربت ریزه که یافتم و یا لیت نیافتمی به خیال فاسد تصور کرده که در مستقبل به مضرت او سرایت خواهد کرد.» (نسوی، ۱۳۹۴: ۱۳).

هرچند که نسوی در بیان مسائل به ظاهر شخصی، از خود و از دست دادن منصب کتابتش سخن می‌گوید (نسوی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵). اما این رویدادها، فساد اخلاقی دربار ایران را مقارن با حمله مغول نشان می‌دهد که چگونه هر یک از درباریان به دنبال جای مقرب‌تری نزد پادشاه و رسیدن به منافع شخصی خود بودند و در این راه از ایجاد هر گونه دست‌انداز و مانع در راه کشورداری و امور مملکت و مردم فروگذار نمی‌کردند و آن‌چنان به بالا بردن مقام و جایگاه خود مشغول بودند که امور مملکت رها شده بود.

یکی دیگر از این وجوه فساد اخلاقی پادشاه و درباریان که نفثه‌المصدور انعکاس یافته این است و به خوبی دلایل شکست در مقابل مغولان را آشکار می‌سازد مربوط به هنگامی است که سلطان جلال الدین خوارزمشاه به قصد استمداد و استنصار از ملوک شام و جزیره بر ضد مغول به طرف «اخلاط» و «دیار بکر» حرکت کرده بود، مؤلف توضیح می‌دهد که چگونه کینه و عداوت دیرین میان ملوک شام و سلطان جلال الدین موجب شد که به جای معاونت و اتحاد با یکدیگر، وقت را تلف کنند. رسولان دو طرف در آمد و رفت بوده اند، بدون اینکه کاری از پیش برند کینه و عداوت در آن اوضاع سرنوشت‌ساز موجب شد تا تمدنی عظیم دچار ویرانی شود و مغولان بر کشور مسلط گردند (نسوی، ۱۳۹۴: ۲۷-۲۸).

آشفته‌گی مملکت و پرداختن درباریان به لهو و لعب از دیگر تصاویریست که نسوی به وضوح آن را در نفثه‌المصدور منعکس ساخته است. نسوی پس از نامه‌ای که به دست او می‌رسد و خبر از این می‌دهد که تاتار در تعقیب سلطان جلال الدین است هراسان می‌شود اما جلال الدین اُوترخان که یکی از خویشاوندان اوست را بر مسند فرمانروایی لشکر گذاشته که به توصیف نسوی، فردی بی لیاقت و بی‌صلاحیت است و هرچه نسوی نزدیک بودن خطر را گوشزد می‌کند تأثیری ندارد: «بعضی به خواب غفلت پهلو به بستر تن آسانی نهاده و طایفه‌ای در شراب ارغوانی دور دوستکانی در داده، ...» (نسوی، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۱).

نجیب محفوظ نیز در طول سالیان دراز نویسنده‌گی خود دوران سیاه اشغال مصر از سوی انگلیس در جریان جنگ جهانی دوم را ترسیم کرده است. وی سپس پار را فراتر می‌گذارد و حکومت‌هایی را که بعد از این اشغال بر ارکان نظامی و حزبی-سیاسی کشور نفوذ کرده بودند را نیز به باد انتقاد شدید می‌گیرد.

مصر تا قرن نوزدهم تحت یوغ ترکان عثمانی بود و بعد از آن استعمار انگلیس جایگزین آن شد، مصر اگرچه در سال ۱۹۱۹ به استقلال نسبی رسید اما کنترل خارجی و دفاعی مصر همچنان در اختیار انگلیس بود و در جنگ جهانی دوم بر طبق قرارداد استقلال، به طور کامل در صف انگلستان وارد جنگ شد و قسمت‌های وسیعی از خاک آن صحنه جنگ‌های مهیبی گردید. بدین ترتیب ترک‌ها و مملوکین و انگلیسی‌ها و سلطه‌ی پادشاهانه در داخل کشور، مصر را در میان خود تقسیم کرده بودند (محمدحسین، ۱۹۸۴: ۱۳) و این در حالی است که هر کدام از این

دولت‌ها فقط در جهت حفظ منافع خود عمل می‌کردند و توجهی به حفظ مصالح عمومی کشور مصر و ملتش نداشتند و از همه مهمتر اینکه پادشاهان مصری نیز با وجود استقلال عملاً از یوغ و اسارت بیگانگان خارج نشدند و همچنان بنا بر مصلحت بیگانگان در کشور حکم می‌راندند و این امر بر بدبختی و فقر و مشکلات هر چه بیشتر مردم دامن میزد که نجیب محفوظ هوشمندانه و با دیدی ژرف واقعیت‌های تلخ زمان خود را در رمان‌هایش به تصویر کشیده است.

سلطه انگلیس بر مصر ضربه شدیدی بر پیکره اقتصاد مصر فرود آورد. در این حالت انگلیس مستشاران انگلیسی خود را برای بهبود وضعیت اقتصادی به مصر فرستادند و مصر را تماماً وابسته به خود کردند. در آن شرایط اقتصادی ناگوار تمامی هزینه‌های ارتش انگلیس و کارمندان برعهده دولت مصر قرار گرفت و علاوه بر این هزینه‌های جنگ انگلیس با کشور سودان نیز برعهده مصر بود. مهم‌ترین ضربه اقتصاد بر مردم مصر بود که تحت فشار اقتصاد ناگوار دولت مصر بودند، در این میان کسانی که به انگلیس وابسته بودند از وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به دیگران برخوردار بودند (هیکل، ۱۹۹۴: ۹۱-۹۸).

نجیب محفوظ در روزگاری زندگی می‌کرده است که درگیری‌های سیاسی زیادی وجود داشته است. این درگیری‌ها اثری عمیق در وی ایجاد کرده است، تا آن جایی که می‌گوید: آن اوضاع سیاسی تأثیری قوی در شکل‌گیری شخصیت عمومی من که بعد از آن با هم زندگی کرده‌ام داشته است. از نظر سیاسی محفوظ به کار سیاسی اشتغال نداشت، ولی در گرایش عام، او جزء حزب وفا بود که در سال ۱۹۲۵م به آن پیوست. نجیب محفوظ خود در مورد گرایش‌های سیاسی اش می‌گوید: «در سازمان‌های سیاسی شرکت نکردم، فقط در تحرکات ملی، مانند اعتصاب‌ها و تظاهرات مانند فردی از مردم، نه به عنوان عضوی از سازمان شرکت می‌کردم» (عطیه، ۱۹۸۳: ۱۹۴).

نجیب محفوظ همه عمرش را در چنگ نظام‌های دیکتاتوری سپری کرد بنابراین، اندیشه‌هایش را پیوسته با شیوه سمبولیسم بیان کرده است تا بتواند از زیر تیغ سانسور جان سالم به در ببرد. جوانی‌اش همزمان بود با حکومت‌های پادشاهی مستبد و دست‌نشاندهی انگلیس (ملک فواد و ملک فاروق) و چون در سال ۱۹۵۲ این نظام با کودتای افسران آزاد برچیده

شد، نوعی دیکتاتوری سوسیالیستی به وجود آمد که در آغاز، ژنرال نجیب سرکرده‌اش بود و بعد هم عبدالناصر رئیس‌جمهورش شد. (رک: رجائی، ۱۳۸۷: ۱-۶۴)

کتاب‌های بین‌القصرین و قصرالشوق و السکریه بازتابی از اوضاع اجتماعی مصر در سال ۱۹۱۹ و قیام مردم این کشور علیه انگلیس و گرایش‌های سیاسی است که در آن زمان در مصر حاکم بود. زمان حوادث رمان بین‌القصرین به اوضاع اجتماعی مصر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و قیام مردم این کشور علیه استعمارگران بخصوص انگلیس و گرایش‌های سیاسی که حاکم در آن زمان بوده و داستان رویارویی فرهنگ و تاریخ ملت مصر با فرهنگ سیاسی و سلطه‌گر غرب، به‌ویژه استعمار انگلیس است برمی‌گردد.

رمان زقاق المدق (کوچه مدق) تأثیر جنگ، استعمار و استبداد را بر مردم مصر به تصویر می‌کشد، آغاز داستان فضای زندگی مردم را در آن کوچه-مصر- نشان می‌دهد، فضایی تیره و سنگین. قهوه‌خانه کرشه مرکز این کوچه است که شیخ درویش- وجدان آگاه جامعه- از آنجا به تماشای مردمش می‌نشیند. مردمی جهان‌سومی که در چنگ استعمار، استبداد، فقر و جهل گرفتارند و در این میان، راهی به زندگی می‌جویند و این وضع به تضادهایشان چندان دامن زده است که زندگیشان به تراژدی می‌انجامد. سرمایه‌داری و فقر، ائتلاف شدید طبقاتی، سربه‌زیری و ماجراجویی، دینداری و فساد و..

رمان «بدایه و نهاییه» نیز پیرامون جنگ جهانی دوم می‌چرخد و مسائل و مشکلات اجتماعی آن دوران را در مصر - که بحران اقتصادی و به دنبال آن فقر، عامل اصلی این مشکلات است- بررسی می‌کند. تلافیه نیز سه رمان به هم پیوسته است که نجیب محفوظ در آنها به یک دوره تاریخی در مصر پرداخته که از یک سال بعد از جنگ جهانی اول آغاز و با پایان جنگ جهانی دوم تمام می‌شود و دوره تاریخی حساسی در تاریخ جهان و به تبع آن در تاریخ مصر است. «هر جز رمان سه گانه زمان طولانی از اواخر جنگ جهانی اول تا اواخر جنگ جهانی دوم را به خود اختصاص داده است.» (دراج، ۲۰۰۴: ۱۴۳). علاوه بر آن در این رمان حوادثی از قبیل برگشت سعد زغلول از تبعیدگاه و سفر او به پاریس از راه دریا، تظاهرات ملی، شروع جنگ جهانی دوم، ظهور حزب الاخوان المسلمین و افکار کمونیستی و شعارهای نازیستی گنجانده شده است (دراج، ۲۰۰۴:

نجیب محفوظ در این سه‌گانه، اتفاقات اجتماعی و سیاسی دوره‌ای از تاریخ مصر را در چارچوب روایت زندگی یک خانواده مرور می‌کند. «این رمان که جریان زندگی سه نسل متوالی را نشان می‌دهد، بیانگر مهمترین مراحل تاریخی معاصر مصر است.» (شطی، ۲۰۰۴: ۱۴۵). هدف نجیب محفوظ از نگارش این رمان، ارائه دنیای زندگی مردم با تمام نقطه نظرات، احساسات، ماجراجویی‌ها، مزایا و نواقص آنان است. نویسنده بر این است در پرتوی این هدف گذشته زندگی مردم را از خطر نابودی در طی مرور زمان نجات دهد و زندگی‌شان را تا ابد جاودانه سازد.

نجیب محفوظ در بسیاری از رمان‌هایش به وضوح دیدگاهش را درباره درگیری‌هایی که میان اعراب و صهیونیست‌ها به وجود آمده بود ابراز می‌کند، به عنوان مثال در رمان «الکرنک» ملتش را دعوت به مبارزه علیه صهیونیست‌ها می‌کند و آن‌ها را نسبت به احقاق حقیقت تشویق و تحریک می‌کند ولی در این رمان با ذکر افتخارات گذشته ملت‌های عربی آن‌ها را به اتحاد دعوت می‌کند.

ساختار جامعه‌شناسی طبقات اقتصادی

مبانی نگرش ساختارگرایانه گلدمن با نظریه اقتصاد سیاسی او بدین قرارند: ۱- واقعه‌های انسانی، همیشه پدیدآورنده ساخت‌های رهنما هستند ۲- پدیدآورندگان راستین فرآورده‌های فرهنگی، گروه‌های اجتماعی هستند و نه نفس‌های منفرد. ۳- در جامعه تولیدکننده برای بازار، کالبد رمان، بی‌میانجی تر از همه کالبد‌های ادبی بر ساخت اقتصادی و ساخت‌های داد و ستد و تولید برای بازار استوار است. در جامعه‌هایی که کوشایی اقتصادی بر همه زمینه‌های زندگی اجتماعی فرمانرواست، آگاهی همگانی رفته‌رفته همه واقعیت کوشای خود را از دست داده، می‌رود تا بازتابی ساده از زندگی اقتصادی گشته و در نهایت به نابودی گراید. در چنین جامعه‌ای همه انسان‌ها به سوی ارزش‌های دادوستدها گراییده‌اند، ولیکن انسان‌های بی‌اندازه کم شماری نیز وجود دارند که به سوی ارزش‌های کاربردی رهنمون شده و هم‌از این رو در حاشیه جامعه جای گرفته و به انسان‌های پیچیده دگردیسی می‌یابند، هنرمندان در میان این گروه‌هاند. ۴- در جامعه تولیدکننده برای بازار، ارزش‌های کاربردی اهمیت خود را از دست داده و تبدیل به ارزش‌های ضمنی می‌شوند درست همچون ارزش‌های اصیل در جهان داستان. ۵- منش زیبایی‌شناختی اثر ادبی به غنا و ساخت زبانی آن بستگی دارد (مصباحی پور، ایرانیان، ۱۳۸۵: ۳۳).

لوسین گلدمن برای وضعیت اقتصادی در زندگی اجتماعی اهمیت بسیاری قائل است و معتقد است که وضعیت اقتصادی همان چیزی است که طبقات جامعه را تشکیل می‌دهد و روابط برخی با برخی دیگر را مشخص می‌کند به طوریکه از همین رابطه‌ها، واقعیت اجتماعی به وجود می‌آید (عصفور، لا تا: ۱۰۹).

یکی از مهمترین وجوه تطابق نگاه گلدمن و نسوی در شکوائیه‌های رمان گونه آثار نسوی وجه اقتصادی است. این قضیه در برابر نگرش ساختارگرایانه و مطالعات اقتصاد سیاسی گلدمن قابل سنجش و تحلیل است. با تکیه بر نظریه خاستگاه طبقاتی مؤلف از نگاه لوسین گلدمن، می‌توان گفت: از آن جا که خاستگاه طبقاتی نسوی در فضای هیئت حاکمه بوده است، یکی از عمده‌ترین وجوه غالب در نفثه‌المصدور پرداختن به ساختار جامعه سیاسی کشور در قرن هفتم است.

با توجه به موقعیت اجتماعی پیشینی نسوی به عنوان منشی دربار خوارزمشاهیان، اطلاعات دقیقی از وی در باب قضایای متعدد در زمینه‌های گوناگون علی‌الخصوص « اقتصاد سیاسی»، در هر دو اثر او بر جای مانده که به لحاظ تحلیلی بسیار درخور توجه‌اند.

بی تردید برای شناخت جهان‌نگری و بینش اجتماعی نسوی نمی‌توان صرفاً به یک اثر او یعنی نفثه‌المصدور اکتفا نمود بلکه در این راستا نگرش‌های طرح شده او را در خلال متن سیرت جلال‌الدین منکبرنی هم باید مدنظر قرار داد. لازم به یادآوری است که نسوی هر دو اثر خویش را زمانی به رشته تحریر درآورد که از گروه اجتماعی دربار خوارزمشاهی تا حدود زیادی فاصله گرفته بود. طوری که تنها پوسته یا رقیقه‌ای از نمایندگی او در آن قشر درباری در وجود وی باقی مانده بود.

یکی از وجوه عمده‌ای که در خلال متن سیرت جلال‌الدین منکبرنی شایان تحلیل است؛ قضایای مرتبط با نقش « اقتصاد سیاسی» در حب و بغض‌ها و صلح و آشتی‌هاست. وقتی از این زاویه با متن بازمانده از مؤلف مواجه می‌شویم، کمتر صفحه‌ای از سیرت جلال‌الدین منکبرنی مواجه است که خالی از بحث مالی و طلب و اطلاق وجوه باشد. برای نمونه صفحات: ۲۱۸-۲۱۹ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۴۳ - ۲۳۹ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۴ و... شاهد مثال‌های این مدعا و بیانگر وضعیت روابط اقتصادی حکام خوارزمشاهی، خلیفه بغداد، حکام مغول، با امرای محلی و مردم هستند.

در این مسیر از دیگر مظاهر مهم زلزله در امور داخلی کشور که در نفثه‌المصدور انعکاس یافته است، نزاع اقتصادی از طریق به جان هم افتادن عمال حکومتی بر سر اموال یکدیگر است که هم چنان نشانگر عدم اتحاد در درون ساختارسیاسی مقارن با بلای هولناک هجمه مغول است. نسوی بیان می‌کند که چگونه جمال علی عراقی چون می‌بیند، نسوی اندک مالی دارد؛ احمد ارموی و سهل قیاد بر او می‌دمند که ممکن است در زلزله حکومت، نسوی ادعای قدرت کند به همین دلیل او را محاصره می‌کنند و او شمشیر می‌کشد اما مغلوب شده و عمال عراقی به تصور این که او کشته شده رهایش می‌کنند (نسوی، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۳۹).

محفوظ نیز از جمله بحران‌های جامعه مصر را فقر و نیاز اقتصادی می‌داند و آن را در داستان‌های خود می‌گنجاند. اقتصاد، اولین محرک شخصیت‌ها و اساس روابط اجتماعی و شخصی میان افراد است (موسی، ۱۹۹۷: ۸۳) نجیب محفوظ از طرفی به یکی از پیامدهای اشغال انگلیس از جمله وابستگی اقتصادی و بحران اقتصادی کشور اشاره می‌کند و با اشاره به این مطلب که مسائل اقتصادی مانعی بزرگ در مسیر ازدواج جوانان است و می‌تواند زمینه به فساد کشیده شدن جوانان شود حل بحران اشغال انگلیس را یکی از وظایف مردمان کشور می‌داند. نجیب محفوظ در رمان بدایه و نهاییه درصدد تصویرسازی از خانواده‌ای است که بعد از مرگ پدر، فقر و نداری به آنها روی می‌آورد؛ زیرا پدر تنها روزی‌رسان خانه بوده است. بنابراین فقر اقتصادی در این رمان بیشتر مورد توجه بوده است؛ چراکه دیگر مسائل اجتماعی چون فساد و فحشا در زنان، ضعف مناسبات انسانی، ضعف مبانی دینی و غیره به نوعی با فقر اقتصادی در ارتباط بوده و به عبارتی فقر اقتصادی سرمنشاء بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است.

در بین القصرین، محفوظ بحران اقتصادی مصر را نتیجه جنگ جهانی اول و چپاول‌گری استعمار می‌داند. در دهه‌های میانی قرن نوزدهم با مشاهده تلاش‌های دولت‌های اروپایی در استعمار و استثمار و غارت منابع، دخالت آشکار علیه قیام ملی عربی پاشا به نفع استبداد حاکم، حضور نظامی مستقیم و اشغال خاک این کشور، غارت منابع کسب امتیازات اقتصادی و در نتیجه آشکارتر شدن چهره استعمار فرانسه و انگلیس آن خوش‌باوری اولیه نسبت به اروپا و نیات دولت‌های قدرتمند غربی رنگ می‌بازد.

ساختار جامعه‌شناختی طبقات اجتماعی

ساختار اجتماعی، نظم اجتماعی در زندگی یک جامعه است. این نظم شامل یک رابطه متقابل میان وضعیت و درون مرزهای عناصر اجتماعی با اشاره به قاعده رفتار، برای فراهم کردن یک شکل از جامعه است. در این مورد نویسنده دیدگاهی درباره مسائل مهم اجتماعی و سیاسی دارد، همچنین مسائل قابل توجه از توسعه زمان خود را پیگیری می‌کند، بنابراین نویسنده به عنوان عضوی از جامعه در بیان آرمان‌های خود نمی‌تواند در کارش از دیدگاه‌های محیط پیرامونش جدا شود. کار ادبی یک واکنش و تعامل اجتماعی نویسنده با محیط فرهنگی-اجتماعی است، عنصر خیال‌نقشی مهم در آفرینش اثر ادبی بازی می‌کند.

هدف اصلی در این روش «یافتن پیوندهای میان متن (ادبی یا فلسفی) و جهان‌بینی در پس زمینه تاریخی آنهاست. گلدمن می‌کوشد نشان دهد چگونه موقعیت تاریخی یک گروه یا طبقه اجتماعی به میانجی‌گری جهان‌بینی آن طبقه در ادبیات انعکاس می‌یابد. پس هر اثر ادبی از آن رو که ساختار اجتماعی و تاریخی دوره‌ای را در خود منعکس می‌کند، سند تاریخی مهمی در بررسی و تحلیل دورانی از جامعه محسوب می‌شود» (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳).

بر اساس بحث گلدمن در باب ساختار متن، از طریق شناخت جهان‌نگری مؤلف ضمن خوانش اثر ادبی «می‌توان نشان داد که چگونه از طریق جهان‌نگری، وضعیت تاریخی یک گروه اجتماعی به ساخت ادبی تبدیل می‌شود. پیوند جهان‌نگری به طبقات اجتماعی و به ساختارهای ذهنی این طبقات، این امکان را برای نویسنده جامعه‌شناس ادبیات فراهم می‌آورد تا نظریه‌ی جامعی را درباره سرشت اثر بیرواند و فاعل آفرینش هنری را معین کند و تعیین اجتماعی را به شیوه دقیق بیان دارد» (پاسکادی، ۱۳۷۶: ۶۲).

در عرصه عوامل مهم اجتماعی در جهان‌نگری نسوی که متأثر از اوضاع زمانه اوست، بی‌تردید پدیده شوم حملات مغول مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر نوع نگرش اجتماعی آن عصر و نیز خود نسوی و بالطبع نفثه‌المصدر وی است. «حمله مغول، نظام اجتماعی ایران را ویران ساخت و پایه‌های اخلاقی خانواده و اجتماع را متزلزل نمود. دروغ‌گویی، دورویی، خیانت، منازعات خونین خانوادگی و اجتماعی، رواج گسترده بزهکاری، روسپی‌گری، زن‌بارگی، غلام‌بارگی،

مردبارگی و اعتیاد به مواد مخدر، ناهنجاری‌هایی بود که در نتیجه حمله مغول، خلق و خوی ایرانیان را بیمار ساخت» (عدالت، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

امنیت به عنوان نخستین عنصر ثبات و پایداری اجتماعی از ضروری‌ترین نیازهای هر جامعه است که بر شاخصه‌های مهم دیگر چون اخلاق، رفتار و کنش هر مجموعه افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. در پناه امنیت، اخلاق و رفتار بهنجار و انسانی معنا می‌یابد. چنانچه در امنیت خللی وارد شود، مسائل دیگری مانند حفظ جان، آبرو و منافع بر امور اخلاقی تقدم می‌یابند و مسأله‌ی اخلاق به اولویت دوم سقوط می‌کند، زیرا امنیت، زمینه بروز اخلاق است.

قوم مغول در قلمرو حاکمیتی خود تمامی انواع امنیت اجتماعی را تحت تأثیر کنش‌های منفی خویش قرار دادند که نتیجه آن، ضعف ارزش‌های اخلاقی جامعه بود چراکه برای مردم «موضوع بقا اولویت داشت و در جنگ بین بقا و فنا، اخلاق نقش اندک داشت» (معین، ۱۳۶۹: ۷۶). در زمان حمله مغولان، ایلچیان مغول یکی از عوامل این ناامنی و ناآرامی بودند «زیرا به هر آبادی یا روستایی که می‌رسیدند، به بهانه توشه راه، اموال مردم را می‌گرفتند و برای حیوانات خود علوفه جمع‌آوری می‌کردند» (سرایلو، ۱۳۸۳: ۷۸).

در چنین شرایطی نسوی، فقدان سلامت و امن و امان را به «زه» و «تیر» مانند کرده است که یکی گوشه‌نشین شده و دیگری از دست اهل زمانه خارج شده است: «سلامت از میان امت چون زه کمان گوشه‌نشین شده، امن و امان چون تیر از دست اهل زمانه بیرون رفته» (نسوی، ۱۳۹۴: ۲).

یکی دیگر از مسائلی اجتماعی مطرح در نقشه‌المصدر، ناامنی راه‌ها است که نسوی مکرر بدان پرداخته است. چراکه نسوی سفرها و آوارگی‌های خود را شرح می‌دهد و در این جابه‌جا شدن میان شهرهای مختلف از گنجه به خوی، نوشهر، و ...، با ناامنی بسیاری در راه‌ها مواجه شده است.

یکی دیگر از جلوه‌های تصویر جامعه که نسوی در نقشه‌المصدر بر آن تأکید دارد، از بین رفتن رسوم و قواعد و قانون‌ها در پی حمله مغولان و آشفتگی کشور است. از جمله این از بین رفتن رسوم و آیین‌ها و قوانین که در نقشه‌المصدر انعکاس یافته است می‌توان به وصف کارهایی که «جمال علی عراقی» کرده است اشاره نمود. نسوی بیان می‌کند که عراقی، قوانین و دیوان‌های

مملکتی و مالیاتی، مواجب سپاهیان را که سال‌ها آماده‌گشته بود را تغییر داده و رسوم و قواعد را منسوخ کرده در حساب و کتاب لشکریان دست می‌برده و دفتر و دیوان‌های مالی ملک را دستکاری می‌کرده است (نسوی، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۱).

رمان‌های نجیب محفوظ نیز رابطه عمیقی با مصر و ملت آن و تاریخ و نبردهایی که در آن واقع شده است، دارد و او با آثار کاملاً مصری خود جامعه مصری را به جهانیان معرفی کرد. لذا خطا نکرده‌ایم اگر بگوییم که مصر قهرمان اصلی ادبیات محفوظ است، از آن روی که مصر حضور همیشگی در میان شخصیت‌های رمان‌ها و حوادث و گفتگوهای رایج میان مردم دارد. غم و شادی‌ها، پیشه‌ها، تقدیر و سرنوشت و آینده کشور مصر ماده اصلی آثار ادبی اوست. «اگر چه محفوظ در آثار مختلف خویش، شیوه‌ها و سبک‌های هنری متفاوتی را برای بیان موضوعات مورد نظر خود برگزیده، که از تصویرپردازی واقعگرایانه تا رمز و تمثیل یا کاربرد تاریخ، برای بیان دیدگاه هنرمند نسبت به واقعیتهای معاصر متنوع است، اما هرگز ارائه و تصویر اوضاع تاریخی و سیاسی و اجتماعی مصر را از خاطر نبرده است.» (رجائی، ۱۳۷۸: ۸) کسی نمی‌تواند انکار کند که نجیب محفوظ در ساخت و پرداخت شخصیت‌های رمان‌هایش از واقعیات اجتماعی و فکری و تمدنی عصرش بهره گرفته است. بنابراین مجموعه آثارش تصویری برگرفته از نوع مشخصی از زندگی انسانی و انعکاس و بازتابی است که از واقعیت گرفته شده است (عثمان، ۱۹۸۶: ۹؛ غنیمی هلال، ۲۰۰۵: ۵۱۷).

محفوظ در داستان القاهره الجدیده (قاهره مدرن) تلاش کرده است تا مسائل اجتماعی را مطرح سازد، و در کنار آن، تکوین و ساختار فکری جوانان آن زمان را نیز به تصویر کشد. «محجوب عبدالدایم» قهرمان این رمان است چرا که از نظر نجیب این شخص با فساد خود می‌تواند از فساد جامعه آن دوران پرده بردارد. لذا می‌توان گفت این رمان ترسیم‌کننده چهره زندگی در مصر است. همچنین محفوظ در رمان بین‌القصرین زندگی خانواده مصری را مورد بررسی قرار می‌دهد و در این میان به اوضاع اجتماعی و سیاسی مصر در دهه بیستم می‌پردازد. او بین‌القصرین را محل و مکانی برای جریان حوادث داستان برمی‌گزیند و در این رمان سعی دارد که مسایل اعتقادی و سنتی خانواده و همچنین پدرسالاری در جامعه مصری را مد نظر خود قرار دهد. در این راستا

درگیری‌هایی که اعضای خانواده با پدرسالاری و مسایل اعتقادی و سنتی دارند را به تصویر می‌کشد.

فروپاشی اخلاق در ساختار جامعه

معمولاً طبق قاعده‌ای زنجیروار پیامدهای بحران‌های اجتماعی دامنگیر وجه اقتصادی جامعه می‌شود. بی‌تردید فقر از عواقب ناامنی و فروپاشی اقتصادی است که نتیجه آن به فروپاشی اخلاقی منجر می‌شود. وقتی حلال و حرام و همه‌ی ضابطه‌ها و قواعد اخلاقی در هم شکسته شد، دیگر جان آدمی نه مساوی بلکه کمتر از بهای یک نان ارزش می‌یابد و در ازای تکه‌ای نان انسانی جان می‌دهد یا جان انسانی گرفته می‌شود: «در وقتی که جانی به نانی باطل می‌کردند و نفسی به فلسفی ضایع می‌گردانیدند ضبط و حفاظ چنان مدروس گشته که حق و حرمن گفتمی در میان خلق هرگز نبوده است و حل و حرمت چنان منسوخ شده که هیچ آفریده‌گویی نام آن نشنیده است» (نسوی، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۶).

مغولان به هر جایی که می‌رسیدند به نابودی مزارع و مرتع ساختن از این مزارع برای چارپایان خود می‌پرداختند، مسأله‌ای که فروپاشی اقتصادی و در نتیجه روپاشی اخلاقی را در بر داشت: «تنها آرزوی مغولان این بود که نواحی حاصل خیز و پرجمعیت را خالی از سکنه کنند که اراضی زراعی مبدل به مرتع شود و وسعتی برای چرانیدن اغنام خود بیابند» (لمب، ۱۳۷۷: ۸۵). طبق گزارش‌های اندوهبار و شکواییه‌های مندرج در نفثه‌المصدور، در پی بحران‌های امنیتی- نظامی و به دنبال پدیده فقر اقتصادی، بی‌رحمی خود مردم نسبت به یکدیگر را به عنوان یکی از نتایج اجتماعی و اخلاقی در دوران حاکمیت ستمگران می‌یابیم. برای مثال وقتی نسوی به شکلی ناشناس از آمدگریخت، حاکم آمد به سه ماه اسارت او و غارت اموال او بسنده نکرد و افرادی را به دنبال او فرستاد تا او را بازداشت کرده و برگردانند. (نسوی، ۱۳۹۴: ۶۸).

اگر مؤلف نفثه‌المصدور بیان می‌کند که وقتی مردم خبر سقوط یک دولت را می‌شنیدند دست به غارت اموال دولتی می‌زده‌اند، نشان از چند مسأله دارد: - الف) نارضایتی مردم از حکومت‌ها که بر اساس آن سقوط حکومت را زمان خوبی جهت انتقام جویی می‌دیدند. - ب) فقر و فروپاشی اقتصادی که موجب می‌شد مردم به غارت اموال دولتی دست بزنند. - ج) ضعف ساختار حکومت‌ها که با ساقط شدن پادشاه، کل ارکان حکومت از هم می‌پاشیده است. - د)

انفعال و ترس به کلی دست و پای مردم را بسته بود در حدی که، غارت اموال دولتی جهت نجات یافتن جانشان از دست مغولان است. به نحوی که مردم از شدت هول و هراس با غارت دولت و پیشکش آن به مغولان و نیز آن چنان که پیش تر نیز بیان شد حتی باکشتن بزرگان حکومتی و پیشکش سر آنها به مغولان سعی در نجات جان خود داشتند. کما این که چنین قضایایی در گنجه به وقوع پیوست. (نسوی ۱۳۹۴: ۲۳، ۲۵، ۲۷).

از دیگر نشانه‌های بی‌اخلاقی در آن زمان و انعکاس آن در نفثه‌المصدور، می‌توان به تأکیدهای مکرر نسوی بر «بی‌اعتمادی» در جامعه اشاره کرد. وی در نفثه‌المصدور بارها بیان می‌کند که به کسی نمی‌تواند اعتماد کند.

و البته در این میان باید به معدود فضایل اخلاقی مندرج در نفثه‌المصدور نیز اشاره نمود. پس از آن که در چند مرحله اموال نسوی توسط دزدان و یا برخی عمال حکومتی به تاراج رفته و این موضوع میان اهالی شهر خوی آشکار شده بود، در مدت مقام در خوی، بزرگان برای او پول جمع می‌کنند، موضوعی که نشان از باقی ماندن رحم و شفقت در برخی از لایه‌های اجتماعی داشته است (نسوی، ۱۳۹۴: ۹۹).

محفوظ نیز در رمان‌های خود بر نقش فقر و مشکلات اقتصادی در نادیده انگاشتن مبانی اخلاقی و دینی و در آخر تضعیف شدن نگرش افراد نسبت به اخلاق و دین و مذهب، تأکید بسیاری داشته است. نجیب محفوظ با بیان مشکلاتی چون اختلاف طبقاتی و توصیف رفاه و ثروت افراد وابسته به انگلیس جامعه‌ای قحطی‌زده را به نمایش می‌گذارد که انسان‌ها برای به دست آوردن ثروت و پیوستن به انگلیس از هیچ عمل غیرانسانی امتناع نمی‌کنند. او در کنار توصیف حقارت و تنهایی و غربت انسان‌های فقیر در مقابل ثروتمندان و افراد وابسته به انگلیس زمینه‌های پیدایش فساد و استفاده ابزاری از انسان‌ها را به تصویر می‌کشد که انسان‌های طبقات متوسط چگونه برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و در راه کسب ثروت حتی آبرو و شرف خود را برای رسیدن به ثروت می‌فروشند که همه این عوامل می‌تواند خود باعث نابودی و ویرانی تمدن مصر شود.

محفوظ فساد اخلاقی جامعه را ناشی از فقر اقتصادی می‌داند: «هذا ما جَعَلَهُ بِذِكْرِ نُرُوتِ يَاسِينَ بِإِذْرَاءٍ وَ هُوَ يَرِدُ مُسْتَنْكِرًا أُمَّ حَنْفَى نُورًا... يَا لَهُ مِنْ حَيَاةٍ» (محفوظ، ۱۹۹۱، ۲: ۵۲۱) وجود

زنان روسپی و روسپی‌خانه‌ها در قاهره نیز نشانه‌ی فساد حاکم بر جامعه مصر است که نجیب در بین القصرین به آن نیز اشاره کرده است: «آرام باش ... آرام ... افسر آمریکایی برای بهره‌مندی از این دختر پنجاه پوند (لیره) پرداخته است.» (محفوظ، ۱۹۹۰: ۷۲۰) سست شدن ارزش‌ها، ایجاد شکاف میان نسل‌ها، بحران شدید اقتصادی و فساد سیاسی گسترده، از عواملی است که باعث به وجود آمدن نسلی گوشه‌گیر، محروم و فقیر شده است که کرامتشان تقلیل یافته و به خاطر از دست دادن معاش اقتصادی خود واهمه دارند (الوردانی، ۱۹۶۰: ۹) تورم ناشی از شرایط جنگ جهانی دوم نیز باعث ایجاد شکاف گسترده میان ثروتمندان و فقرای جامعه و همچنین موجب گرانی شد و تنها ثروتمندان و بیگانگان بودند که از این شرایط سود بردند.

در داستان «بدایه و نهاییه» بر اثر بحران شدید اقتصادی در خانواده به شدت شاهد ابزارپرستی و مادپرستی هستیم؛ ابزارپرستی‌ای که تمامی انسانیت و مهر و عاطفه را از افراد گرفته و مالک و معیار همه چیز را بر محور پول و به دست آوردن آن در جهت رفع نیازهای ضروری درآورده است. فقر اقتصادی در این داستان چنان به اوج می‌رسد که دیگر حتی احترامی بین پدر و فرزند، مادر و فرزند و سایر اعضای خانواده بر جای نمی‌گذارد. فقر اقتصادی و به تبع آن فقر فرهنگی سبب می‌گردد تا نفیسه، اعتقادات خود را از دست داده و به فردی بی‌بند و بار بدل گردد. فقر اقتصادی است که سبب می‌گردد تا حسین با اعتقادات عمیق و صبر و متانت خود مجبور به پذیرش مال حرام گردد. در نتیجه فقر، خرده فرهنگی دیگر چون از بین رفتن عزت و احترام را با خود به ارمغان می‌آورد. فقری که از انسان‌ها شخصیتی متکبر و منفعت طلب می‌سازد و در پایان آنها را به حسیض ذلت می‌کشانند و از آن‌ها شخصیتی بی‌اعتقاد و بی‌ایمان نسبت به عقاید دینی می‌سازد و در نتیجه خرده فرهنگی چون ضعف مبانی دینی را پرورش می‌دهد و مسأله اعتقاد و ایمان به مبانی دینی از اموری است که اگر نادیده انگاشته شود بدترین صدمات را برای فرد و عموماً برای یک جامعه به دنبال خواهد داشت.

در رمان زقاق المدق، حمیده دختر زیبا و فقیری است که نقشی محوری در قصه دارد و نماد بخشی از سیاست مصر است. انحرافات او در حقیقت انحرافات مصر هستند که طی جنگ جهانی دوم این کشور را به سقوط می‌کشاند، چنانکه حمیده را ضعف شدید اقتصادی به کج روی سوق می‌دهد. اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی کوچه، جوانان را - هر یک را به دلیلی -

وادار به مهاجرت می‌کند. در غیاب عباس، گردهمایی انتخاباتی در کوچه برپا می‌شود که مثل همه کشورهای استبداد زده نمایشی از ابتذال است. در این هنگام ابراهیم فرحات - کاندیدا- به کوچه می‌آید و با کرشۀ قهوه‌چی که نمادی از آدم‌های فاسد و منحرف و نان به نرخ روز خور است، برای خریدن رأی، زد و بند می‌کند. (محفوظ، ۱۹۶۷: ۱۵-۱۶)

نجیب در رمان الص و الکلاب (دزد و سگ‌ها)، ماجرای نزاع میان خیر و شر را ترسیم کرده و مسأله‌ی نابودی و فروپاشی و تحول ارزش‌هایی را مطرح ساخته که هدفشان ایجاد زندگی پاک برای بشریت است، و به طور ضمنی اشاره کرده که منشأ این نابودی گاهی خودپیشگامان ارزش‌ها هستند. در این داستان، محفوظ این مضمون را از طریق «سعید مهران» و حکایت او با خائنانی که نویسنده از آنها با لفظ «سگ» تعبیر کرده، ارائه داده است.

طنین صدای طبقه عامه

در نگاه گلدمن آن چه در جنبه ساختار اجتماع تبیین شده این است که «نویسنده عضوی از یک طبقه یا یک گروه اجتماعی است. که از طریق گروه‌های اجتماعی، با تغییرات بزرگ اجتماعی و سیاسی ارتباط پیدا می‌کند. تغییرات اجتماعی و سیاسی، یک بیان از طبقه مخالف است و بدین ترتیب آگاهی طبقاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (ایوتادیه، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

به عقیده گلدمن یک اندیشه، یک اثر ادبی، هنگامی مفهوم واقعی‌اش را می‌یابد که بازگوکننده کل زندگی نویسنده آن اثر و سلوک (مجموعه ضمیر آگاه و ناخودآگاه و عملکرد یک انسان) باشد، ولی این سلوک که راه را برای شناختن نویسنده می‌گشاید اغلب به طور مطلق از آن نویسنده نیست، بلکه سلوک یک گروه یا طبقه اجتماعی است که نویسنده می‌تواند عضوی از آن گروه یا طبقه باشد یا حتی ممکن است به آن تعلق نداشته باشد و فقط فکر آن گروه را بازگو کند. به خصوص هنگامی که آثار برجسته یک نویسنده مورد بحث قرار می‌گیرد باید در آنها بازتاب اندیشه و فکر یک گروه یا طبقه اجتماعی را دید (کهنمویی پور، ۱۳۸۹: ۳۹).

در نگاه گلدمن نیل به محتوای حقیقت هر اثر، از رهگذر سطوح مختلف صورت می‌پذیرد. تشریح و دریافت و معنا شناسی رفتارها و رویدادها و انسجام دال و مدلول‌ها و دریافتن اندیشه اثر و در نهایت استنتاج عناصر آگاهی از آن چه دروغ است در نقد عمل و ترسیم آن از اهداف تحلیل تکوینی است. (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۳-۲۴۴).

اگر در بازخوانی مجدد بر آن چه گذشت نگاهی از زوایه انعکاس صدای طبقه عامه بر متن بیندازیم، به وضوح این اثر نسوی را اثری جامعه‌شناسانه از باب منعکس‌کننده صدای طبقات عامه می‌یابیم. بر این مبنا نکته‌ای که در تشریح و دریافت نفثه‌المصدور جلب توجه می‌کند، معناشناسی رفتارهایی از طبقه عامه مردم است که اغلب در این سفرها همراه نسوی بوده‌اند و گویی در کنف او از یک شهر به شهری دیگر می‌رفتند. مردمی وحشت‌زده و پریشان که نسوی از آنها با عنوان‌هایی نظیر «اتباع من»، (نسوی، ۱۳۹۴: ۱۰۸) «روز فروشندگان» (نسوی، ۱۳۹۴: ۱۰۳)، «روز درگشتگان بازار محنت» نام می‌برد.

مسأله‌ای که در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، بیان درد اجتماعی و روزگار مردم عادی و میلیون‌ها نفر از طبقه عامه مردم ایران در زمان حمله‌ی مغول است. بزرگان و نویسندگان و اشراف، از طریق آثار خود توانستند احوال و روزگارشان را در آن زمانه پراشوب به گوش مردمان برسانند، اما صدای این طبقه از مردم که ظاهراً بیش از طبقه نزدیک به حکومت در معرض رنج و سختی بودند، کمتر به گوش نسل‌های بعد رسیده است. مردمی درمانده که تنها ترس ناشی از شنیدن خبرهای وحشتناک باعث درماندگی آنان نبود بلکه ساکنان هر شهری به نوبه خود در مقابل مغولان مقاومت می‌کردند اما این مقاومت به بدترین شکل شکسته می‌شد.

نجیب محفوظ از طبقه بوراوا بود؛ این بدان معنی است که محفوظ در مصاحبت این طبقه خاص که افکار و راه و روشی خاص دارند، رشد نمود و در باطن این طبقه، نگرانی دایمی درباره سرنوشت و ترس همیشگی از شکست و سقوط وجود دارد. به این دلیل، برای رسیدن به ساحل امن و برکنار ماندن از خطرهای مبارزه طلبی یا مقابله با قدرت‌های حاکم همیشه در تلاش است و محفوظ در چنین فضای فکری که آکنده از نگرانی، هراس و آشفتگی بود، رشد یافت (محمد سعید، لاتا: ۲۴-۲۵).

نکته حائز اهمیت در آثار محفوظ این است که وی، در بیشتر رمان‌هایش شخصیت‌هایی را به تصویر کشیده است که وابسته به طبقه متوسط و کارمند جامعه می‌باشد، به گونه‌ای که گویی نجیب با تمام وجود و احساسش، این طبقه و دردهای آن‌ها را درک می‌نماید، و این امر شاید ریشه در زمانی دارد که وی چهار سال از زندگی خویش را در مشاغل دولتی گذرانده است؛ چهارسالی که می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای پیدا نمودن قهرمانان داستان‌هایش در بیشتر

رمان‌هایش باشد. «تردیدی نیست که چهار سالی که محفوظ در مشاغل دولتی گذراند به دلیل ارتباط مستقیم با زندگی مردم، برای او تجربه‌های عملی و فرصت‌های مناسبی فراهم آورد و به او امکان داد تا از واقعیت‌های روانی و اجتماعی جامعه‌ای که وظیفهٔ تعبیر از آن را بر عهده گرفته بود مستقیماً آگاه گردد. بنابراین توجه محفوظ به طبقه کارمند و دردها و رنج‌های آنان است (محمد سعید، لا تا: ۹-۱۰).

ادیبان معاصر چون مردم عادی از مشکلات و مصائبی که در زندگی با آنها مواجه هستند، رنج می‌برند و آزرده خاطر می‌گردند و حتی آنها به جهت حساسیتشان- به اقتضای شغلشان- و ذکاوتشان به صورتی عمیقتر و بیشتر در رنج و عذابند و در صورت فقر و بیچارگی مردم سرزمینشان بیش از پیش غمگین خواهند بود و آن را در آثارشان انعکاس می‌دهند (طه بدر، لا تا: ۵).

محفوظ خود می‌گوید: «قصدم اندوه نبوده است، اما بواقع اندوهگینم و از نسلی می‌آیم که حتی در لحظات شادمانی نیز اندوه بر او چیره است و جز افراد لابلای، یا آنان که به طبقات مرفه و دور از مردم وابسته‌اند، کسی احساس خوشبختی نمی‌کند.» (محفوظ، ۱۹۶۰: ۴۷) این سخن محفوظ، دلالت بر این امر دارد که وی، زادهٔ طبقهٔ متوسط است. شاید به همین سبب نیز غالب اشخاص داستان‌های وی، از همین طبقه یا میانه‌های نزدیک به پایین برمی‌خیزند. قلم محفوظ نه ثبت‌کننده لحظات و حوادث است و نه راوی بی‌طرفی آنها، و این است که در سراسر داستان‌هایش می‌توان آداب و رسوم و عادات مردم را دید و آثار آنها را در شخصیتشان بازشناخت. مردم چنان در کارهایش توصیف می‌شوند؛ و گرایش‌ها، آرزوها، غم‌ها، عادات و سیر و سلوکشان چنان تصویر می‌شود که از ورای کارهایش می‌توان به خوبی بخشی عظیم از مصر و مردمانش را شناخت. لباس‌ها، غذاها، تفریح‌ها و بسیاری چیزهای دیگر از فرهنگ عامهٔ مصر را می‌توان در داستان‌هایش سراغ گرفت... راست است، نجیب هیچگاه از مصر و مصریان جدا نبوده است (رازانی، ۱۳۸۰: ۱۰).

رمان‌های سه‌گانه نجیب دربارهٔ قاهره است و محفوظ خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که به بورژوازی متوسط تعلق دارد. محفوظ فقر و شرایط بد اقتصادی را که بیشترین فشار را بر طبقه متوسط و فقیر جامعه وارد می‌کند، نتیجه برنامه‌های نامناسبی می‌داند که حکومت‌ها بدون در

نظر گرفتن شرایط مردم آن را اجرا می‌کنند، اما با وجود همه مشکلات پیش روی این طبقه، محفوظ این طبقه را ستون اصلی جامعه می‌داند که با آگاهی می‌تواند شرایط را تغییر دهند.

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه جامعه‌شناسی ادبی لوسین گلدمن، هر اثر ادبی در بطن جامعه زمان خویش خلق می‌شود و تحت تأثیر و تأثر عوامل اجتماعی به‌ویژه عوامل مادی و اقتصادی در زندگی اجتماعی واقع می‌شود. لذا نه تنها نمی‌تواند از اندیشه‌های تاریخ اجتماعی حاکم بر جامعه عصر خود برکنار شمرده شود بلکه نماینده اندیشه کلی حاکم بر جامعه طبقاتی اثربرخاسته از آن است. بر این مبنا طی مطابقت آثار نسوی و محفوظ در مواجهه با نظریات جامعه‌شناسی ادبی گلدمن به وضوح در می‌یابیم که مبانی جامعه‌شناسی ادبی و ساختارگرایی تکوینی گلدمن با اندیشه‌های نسوی و محفوظ هم‌پوشانی دارد.

در ساختارکلی سیاسی حاکم بین خود زمامداران خوارزمشاهی در آثار زیدری و سلطه استعمار انگلیس در آثار محفوظ، گفتمان ستمگرانه و فریبکارانه و منش ضد اخلاقی و خصمانه نظامی، به خصوص در بخش اقتصاد سیاسی همراه با دیالکتیک مکارانه وجود داشته است. این ساختار بیمارگونه با نوع رفتارها و تعاملات خودسرانه و غافلانه اقتصادی آنان در سیاست خارجی و در تعامل با مردم منجر به شکست نظامی ایرانیان و رواج فساد اخلاقی در هر دو جامعه ایران و مصر و تباهی تمام ساختارهای اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی هر دو کشور گردید.

دو نویسنده عرب زبان (نجیب محفوظ) و ایرانی تبار (زیدری نسوی) براساس نگارش واقع‌گرایانه‌ای که بر افکارشان شکل گرفته است، واقعیت اجتماعی و مسائل و مشکلات جامعه عصر خویش را در آثارشان انعکاس داده‌اند؛ از آنجا که دو نویسنده بر فقر اقتصادی در جامعه خود تأکید بیشتری داشته‌اند؛ لذا فقر و عواقب جبران ناپذیر آن مهمترین مضمون اجتماعی است. هر دو نویسنده بر نقش مسائل اقتصادی در روند زندگی افراد تأکید بسیار داشته‌اند؛ از این رو فقر به عنوان یک معضل و دغدغه اجتماعی به نحوی برجسته و قابل توجه در آثار هر دو نویسنده انعکاس یافته است که حاکی از اوضاع و شرایط اجتماعی تأسف بار جامعه مصر و ایران در آن زمان است. این فقر بیشتر در قالب فقر اقتصادی به چشم می‌خورد.

هر دو نویسنده بر دو عامل اقتصادی و سیاسی در بروز فقر در جوامع خود تأکید بسیار نموده و این دو عامل را از مهمترین عوامل در رشد و توسعه فقر به شمار آورده‌اند و در این میان بر سیاست‌های نادرست حکومتی و عادم تدبیر درست و منطقی در توزیع عادلانه ثروت تأکید بسیار داشته و آن را مهمترین عامل در فقر و بدبختی مردم - به ویژه قشر فرودست جامعه - قلمداد کرده‌اند؛ به طوریکه سرمنشأ فقر اقتصادی را به سیاست‌های نادرست دولت نسبت می‌دهند.

محفوظ و زیدری بدبختی و اوضاع فلاکت بار مردم کشورشان را با به تصویر کشیدن انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی، نشان می‌دهند و فشار، ظلم و بدبختی مردم را در نتیجه‌ی جنگ و استعمار بیان می‌کنند که جامعه مصر و ایران از آن رنج می‌برند. محفوظ و زیدری در آثارشان ناتوانی و ضعف انسان فقیر را در مقابل خشونت و برتری ارباب و قدرت به تصویر می‌کشند.

منابع

- ایوتادیه، ژان، ۱۳۷۸ ش، نقد ادبی در قرن بیستم، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: نیلوفر.
- تسلیمی، علی، ۱۳۸۸ ش، نقد ادبی: نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی، تهران: آمه.
- دراج، فیصل، ۲۰۰۴م، الروایة و تاویل التاريخ، الطبعة الثانية، مغرب: المركز الثقافي العربي دار البیضا.
- رازانی، بهمن، ۱۳۸۰ ش، دزد و سگ‌ها، تهران: ققنوس.
- رجائی، نجمه، ۱۳۸۷ ش، سمبولیسم در آثار نجیب محفوظ، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- سرایلو، اشرف، ۱۳۸۳ ش، «روانشناسی اجتماعی مردم مصیبت دیده، روحیات جامعه ایران در عصر حملات مغول»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سری ۷، شماره ۹-۱۰-۱۱، صص ۷۲-۷۹.
- شطی، سلیمان، ۲۰۰۴م، الرمز و الرمزية فی ادب نجیب محفوظ، الطبعة الثانية، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- طه بدر، عبدالمحسن، لاتا، ارویة و الاداه نجیب محفوظ، ط ۳، القاهرة: دارالمعارف.
- عثمان، بدری، ۱۹۸۶م، بناء الشخصية الرئيسية فی روایات نجیب محفوظ، بیروت: دارالحدائث.
- عدالت، عباس، ۱۳۸۹ ش، فرضیه فاجعه زدگی (تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران)، بخارا، سری ۱۳، شماره ۷۷ و ۷۸، صص ۲۲۷-۲۶۳.
- عسگری حسنگلو، عسگر، ۱۳۸۶ ش، سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات، ادب پژوهی، شماره ۴، صص ۴۳

عسگری، عسگر و آرزو شهبازی، ۱۳۹۳ش، «نقد ساختگرایی رمان همسایه‌ها»، مطالعات داستانی، سال دوم، شماره سوم.

عصفور، جابر، لاتا، نظریات معاصره، مصر: مکتبه الاسره.

عطیه، احمد محمد، ۱۹۸۳م، مع نجیب محفوظ، چاپ دوم، بیروت: دار الجیل.

غنیمی هلال، ۲۰۰۵م، النقد الادبی الحدیث، الطبعة السادسة، القاهرة: نهضة مصر.

فضل، صلاح، ۱۹۸۶م، منهج الواقعيه فی الابداع الادبی، چاپ سوم، بیروت: منشورات دارالافتاح الجديده

کهنمونی پور، زاله، ۱۳۸۹ش، نقد جامعه‌شناختی و لوسین گلدمن، تهران: علمی و فرهنگی.

گلدمن، لوسین، ۱۳۶۹ش، نقد ساختگرایی تکوینی، ترجمه محمدتقی غیائی، تهران: انتشارات بزرگمهر، چاپ اول.

گلدمن، لوسین، ۱۳۷۱ش، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر هوش و ابتکار.

گلدمن، لوسین، ۱۳۷۶ش، کل و جزء، مجموعه‌ی جامعه، فرهنگ و ادبیات، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.

لمب، هارولد، ۱۳۷۷ش، چنگیزخان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.

محفوظ، نجیب، ۱۹۵۱م، بدایه و نهاییه، چاپ نهم، قاهره: مکتبه مصر.

محفوظ، نجیب، ۱۹۵۶-۱۹۵۷م، الثلاثیه، چاپ هفتم، قاهره: مکتبه مصر.

محفوظ، نجیب، ۱۹۹۱م، اللص و الکلاب، بیروت: دارالعلم للملایین.

محمدحسین، محمد، ۱۹۸۴م، الاتجاهات الوطنیه فی الادب المعاصر، الطبعة السابعة، بیروت: موسسه الرساله.

محمدسعید، فاطمه الزهرا، لاتا، الرمزیه فی ادب نجیب محفوظ، بیروت: موسسه العربیه للدراسات و النشر.

مصباحی پور ایرانیان، جمشید، ۱۳۸۵ش، واقعیة اجتماعی و جهان داستانی: جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: امیرکبیر.

معین، محمد، ۱۳۶۹ش، حافظ شیرین سخن، تهران: معین.

موسی، فاطمه، ۱۹۹۷م، نجیب محفوظ و تطور الروایه العربیه، قاهره: الهیئة المصریه العامه للکتاب.

نسوی، شهاب‌الدین محمد خُزندی، ۱۳۶۵ش، سیرت جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: علمی و فرهنگی.

نسوی، شهاب‌الدین محمد خُزندی، ۱۳۹۴م، نفثه المصدور، تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، تهران: توس.

هیگل، احمد، ۱۹۹۴م، تطور الادب الحدیث فی مصر من أوائل القرن التاسع عشر إلى قیام الکبری الثانیه، انتشارات: دارالمعارف.

الوردانی، ابراهیم، ۱۹۶۰م، رحلة فی رأس نجیب محفوظ، القاهرة: مکتبه النهضة المصریه

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: بهروزه شهره، پژوهش پرنوش، هاشمی اصفهانی ماندانا، بررسی تطبیقی ساختارهای اجتماعی در آثار زیدری نسوی و نجیب محفوظ براساس نظریات ساختارگرایانه گلدمن، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۶۸، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۵۹۵-۵۶۷.